



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

Comparative Analysis of the Position of Media Independence in the Statutory Laws of the Islamic Republic of Iran and the Arab Republic Egypt

Alireza Naseri¹, Said Hossin Malakotti Hashtjin², Hossin Fakhr³, Ayat Mulaee⁴

1. Ph.D student of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Email: shams.naseri1984@gmail.com

2. Associate Prof. of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (Corresponding Author)

Email: malakooti@tabrizu.ac.ir

3. Associate Prof. of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: h-fakhr@tabrizu.ac.ir

4. Associate Prof. of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: amulaee@tabrizu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 17 Jul 2025

Received in revised form 5 Sep 2025

Accepted 18 Sep 2025

Available online 31 Des 2025

Keywords:

Media independence, freedom of expression, Iranian constitutional rights, mass communication rights, mass media.

Independence constitutes one of the most critical components for the effective functioning of the media and for achieving its intended objectives. In the absence of media independence, fundamental concepts such as democracy, transparency, and accountability are significantly undermined. Accordingly, both international human rights instruments and the constitutional and legal frameworks of states have emphasized the importance of protecting media institutions from undue governmental control, adopting various models to this end. Globally, media independence has manifested in diverse forms, reflecting the distinct legal, cultural, and political contexts of each country. Even among states with similar institutional frameworks, a uniform model of media independence cannot be identified. Nevertheless, scholars have introduced specific indicators that enable the assessment of media independence, allowing for a comparative evaluation across different national contexts. In light of these considerations, a central question emerges: to what extent, and through what mechanisms, do the governments of Iran and Egypt intervene in the media? To address this question, this study employs an analytical-comparative methodology, drawing upon the legal and political texts of Iran and Egypt to examine the components and degree of media independence in both countries. From a legal perspective, media independence in Egypt appears to be more formally guaranteed than in Iran, particularly regarding key components such as freedom from administrative hierarchies, the independence of regulatory authorities, licensing requirements, and sources of media financing. However, in practice, governmental interventions in both countries have constrained the realization of such independence. These interventions manifest through direct and indirect pressures that limit the operational and editorial autonomy of media organizations. This article therefore provides a comprehensive analysis of media independence and its dimensions, with particular emphasis on Iran and Egypt. It elucidates the rationale for media independence, identifies its core components, and evaluates the degree to which each country fulfills these criteria, highlighting both formal legal protections and practical limitations.

Cite this article: Naseri, Alireza., Malakotti Hashtjin, Said Hossin., Fakhr, Hossin., Mulaee, Ayat. (2025). Comparative Analysis of the Position of Media Independence in the Statutory Laws of the Islamic Republic of Iran and the Arab Republic Egypt. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 3 (4), 113- 134. <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2069052.1164>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2069052.1164>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

واکاوی تطبیقی جایگاه استقلال رسانه‌ای در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی مصر

علی رضا ناصری^۱ | سید حسین ملکوتی هشتجین^۲ | حسین فخر^۳ | آیت مولایی^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: shams.naseri1984@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: malakooti@tabrizu.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: h-fakhr@tabrizu.ac.ir

۴. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: amulaee@tabrizu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

استقلال از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در دستیابی به اهداف مطلوب رسانه‌ها می‌باشد و بدون وجود آن مفاهیمی چون دموکراسی و پاسخگویی جایگاه خود را از دست می‌دهند. از همین رو، اسناد حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها توجه ویژه‌ای به این امر داشته‌اند. استقلال رسانه به شیوه‌های مختلفی در کشورهای دنیا ظهور پیدا کرده است تا جایی که حتی در نزدیک‌ترین کشورها از نظر حقوقی، فرهنگی و سیاسی نمی‌توان شیوه واحدی از استقلال رسانه را پیدا نمود. این‌حال جهت سنجش استقلال رسانه شاخصه‌هایی معرفی شده است که با بررسی این شاخص‌ها می‌توان سطح استقلال رسانه را در هر کشوری مشخص نمود. با توجه به موارد مذکور این سؤال اساسی مطرح می‌شود که میزان و روش مداخله دولت‌های ایران و مصر در رسانه‌ها چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش با مراجعه به متون حقوقی و سیاسی ایران و مصر و با روش تحلیلی- تطبیقی استقلال رسانه، میزان و مؤلفه‌های آن بررسی گردید. استقلال رسانه‌ها در قانون اساسی مصر در مؤلفه‌هایی از جمله استقلال از سلسله‌مراتب اداری، استقلال رگلاتور، منابع تأمین مالی رسانه و... بهتر از کشور ایران تأمین و تضمین شده است اما در عمل مداخلات دولت مستقر به روش‌های مختلف مانع تحقق این استقلال شده است. در این مقاله ضمن تشریح استقلال رسانه‌ها و ابعاد آن با تأکید بر کشورهای ایران و مصر، چرایی استقلال رسانه و مؤلفه‌های استقلال رسانه تبیین شده است.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

کلیدواژه‌ها:

استقلال رسانه،

آزادی بیان،

حقوق موضوعه ایران،

حقوق ارتباط جمعی،

رسانه‌های جمعی.

استناد: ناصری، علی رضا؛ ملکوتی هشتجین، سید حسین؛ فخر، حسین؛ مولایی، آیت (۱۴۰۴). واکاوی تطبیقی جایگاه استقلال رسانه‌ای در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی مصر. *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۳ (۴)، ۱۳۴-۱۱۳.

<http://doi.org/10.22034/ics.2025.2069052.1164>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

اهمیت، قدرت و اثرگذاری رسانه بر ابعاد مختلف زندگی انسان امری غیرقابل انکار است. با پیشرفت‌های علمی و صنعتی سال‌های اخیر و شکل‌گیری مفهومی به نام رسانه‌های نوین اثرگذاری رسانه‌ها بسیار بیشتر شده است. به همین دلیل دولت‌ها و بسیاری از فعالان بازار و بخش خصوصی در پی آن هستند ضمن در امان ماندن از خطرات و تهدیدهای رسانه، بیشترین بهره را از فرصت‌هایی که رسانه ایجاد کرده است؛ کسب کنند. دولت‌ها اغلب از رسانه‌های تحت کنترل خود برای ارائه مجموعه‌ای تحریف‌شده از حقایق استفاده می‌کنند. به همین علت، در صورت عدم وجود استقلال کافی، دولت‌ها می‌توانند رسانه‌های خصوصی را برای انتشار یا عدم انتشار اطلاعات حیاتی تحت فشار قرار دهند اینجاست که پای دولت‌ها به رسانه و فعالیت رسانه‌ای باز می‌شود (المداغنه، ۲۰۲۱: ۲). اهمیت رسانه برای دولت و تلاش دولت‌ها برای سلطه بر رسانه به حدی رسیده است که برخی بر این باورند «هیچ رسانه‌ای کاملاً عاری از دولت وجود ندارد» (Munteanu, 2010: 1). این بیان حتی در مورد دمکراتیک‌ترین کشورهای دنیا صادق است. دولت‌ها از طریق اعمال قدرت مستقیم یا غیرمستقیم سعی در رخنه و اثرگذاری بر رسانه‌ها دارند. لازم به ذکر است هیچ‌کس از استقلال مطلق رسانه‌ها به‌عنوان یک امر مطلوب حمایت نکرده است و بخش زیادی از مداخلات دولتی نه‌تنها مذموم نیست؛ بلکه لازم و حتی تکلیف دولت‌هاست. از همین رو حتی در کشورهای پیشرو سعی می‌شود سطحی از نفوذ، کنترل و اثرگذاری در رسانه‌ها از ناحیه دولت و مقامات دولتی وجود داشته باشد (Schudson, 2005: 216). لذا تلاش صاحب‌نظران بر آن بوده است که ضمن توجه به نظارت بر رسانه‌ها، حدود و ضوابط مداخلات دولتی را مشخص نمایند تا دولت‌ها وارد خطوط قرمز استقلال رسانه‌ها نشوند.

با توجه به موقعیت، جایگاه و تاریخ کشور مصر به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای اسلامی و با توجه به حساسیت‌های خاص رسانه‌ای در این کشور به‌ویژه پس از انقلاب سال ۲۰۱۱ که می‌توان آن را اولین و بزرگ‌ترین و درعین‌حال سریع‌ترین انقلاب دنیا لقب داد که در بستر رسانه اتفاق افتاد؛ به نحوی که تنها در مدت ۱۸ روز و با استفاده از پلت فرم‌هایی همچون فیس‌بوک به حکومت دیکتاتوری و چندین ساله حسنی مبارک پایان داد. مطالعه و بررسی تطبیقی استقلال رسانه‌ها در این کشور می‌تواند دارای اهمیت‌های خاص خود باشد. در انقلاب مصر و مجموعه تحولاتی که پس از آن در این کشور روی داد نقش رسانه‌ها به‌صورت بسیار ویژه برجسته است. جایی که رسانه‌های نوین قبل از قرار گرفتن در قالب محدودیت‌ها و نظارت‌های از پیش تعیین شده برای رسانه‌های سنتی توانستند تغییرات سیاسی مهم و سابقه‌ای را رقم بزنند، این امر اهمیت مفاهیمی همچون استقلال رسانه را برجسته کرد.

با توجه به شمای فوق، مسئله استقلال رسانه‌ها در کشور ایران و مصر می‌تواند در نظام حقوقی و سیاسی کشورهای فوق اشاره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. بدین رو این مقاله در صدد آن است ضمن بررسی تفاوت‌های استقلال در رسانه‌های سنتی و نوین به سؤالاتی از قبیل زیر پاسخ دهد: آیا عدم‌مداخله که تقریباً در تمامی اسناد بین‌المللی حقوق بشر به آن توجه شده، امری کاملاً مطلق است و هرگونه دخالت دولت باعث نقض استقلال رسانه‌ای می‌شود؟ استقلال رسانه در کشورهای ایران و مصر تا کجاست؟ مؤلفه‌های استقلال رسانه در ایران و مصر چیست؟ چه اشتراکات و تمایزهایی در خصوص استقلال رسانه‌ای در کشورهای مورد مطالعه وجود دارد؟

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه انقلاب اسلامی در ایران خیلی جلوتر از کشور مصر اتفاق افتاده است و جمهوری اسلامی ایران دوره گذار در بحث رسانه‌ها و استقلال آن را سپری نموده است؛ این استقلال در عمل بهتر از کشور مصر تأمین و تضمین شده است. به هر حال برای پاسخ به سؤالات فوق که تاکنون در مطالعه و تحقیقی مستقلی مورد بررسی قرار نگرفته است، این مقاله با روش تحلیلی-تطبیقی و با مراجعه به و قوانین اساسی، آراء و نظریات نهاد نظارت، کتب و اسناد حقوقی در قسمت اول به بررسی مفهوم استقلال رسانه، سپس منع شده‌ها از مداخله در امور رسانه‌ها و در قسمت اصلی مقاله مؤلفه‌های استقلال رسانه در ایران و مصر به صورت مورد بررسی قرار خواهد داد و در نهایت مهم‌ترین نتایج بحث همراه با پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

لازم به ذکر است جهت پرهیز از بسط مطالبی که در خصوص حقوق رسانه‌ها و استقلال آن‌ها در ایران به صورت پرتکرار به آن‌ها پرداخته شده است، سعی بر آن خواهد بود مطالب با تأکید بر مؤلفه‌های استقلال رسانه در کشور مصر بیان گردد.

۱. مفهوم استقلال رسانه

با توجه به تحولی که در معنا و مصادیق رسانه صورت گرفته است مفهوم استقلال رسانه نیز به تبع معنای رسانه و با توجه به ویژگی‌های رسانه‌های جدید در حال تحول است (Poell, 214:18). استقلال، یک اصل هنجاری مرکزی در سیاست‌گذاری رسانه‌ای و روزنامه‌نگاری است. همچنین یک اصطلاح بحث‌برانگیز است که معانی مختلفی دارد. استقلال رسانه در میان صاحبان رسانه، فعالان، روزنامه‌نگاران، محققان و تنظیم‌کننده‌ها از دیدگاه‌های مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد. در زمینه‌های مختلف، از جمله بحث در مورد موقعیت رسانه در جوامع استبدادی، وضعیت پخش‌کنندگان خدمات عمومی و رسانه‌های مستقل، بازیگران مختلف استقلال را متفاوت درک می‌کنند. لذا برخی بازیگران رسانه‌ای با اعلام استقلال از کنترل دولتی و برخی دیگر با اعلام استقلال از نیروهای بازار یا کنوانسیون‌های جریان اصلی، به دنبال تقویت مشروعیت و اعتبار خود نزد مخاطبان هستند. در عین حال، به عنوان یک مفهوم، تعریف استقلال رسانه به طور فزاینده‌ای دشوار است (karppinen, 2016:112).

استقلال یک «مفهوم اساساً مورد مناقشه» است که ذاتاً در معرض بازنگری‌ها و تفسیرهای بی‌پایان درباره «حکمرانی رسانه» و «بازار رسانه» است (Bryce Gallie. 1996:177)؛ اگرچه کشمکش بر سر معنای استقلال رسانه‌ای، حداقل به قدمت ایده آزادی مطبوعات است؛ اما دگرگونی‌های دیجیتال و افول رسانه‌های قدیمی و باعث ظهور بازیگران جدید و همچنین جنبه‌های جدیدی از کنترل و وابستگی شده است که این امر نیز بر پیچیدگی این مفهوم افزوده است.

با وجود تمام ابهامات در خصوص این مفهوم، استقلال رسانه‌ای بر نبود هر نوع کنترل و یا نفوذ خارجی بر رسانه یا کارکنان رسانه دلالت دارد. به بیان دیگر «تصمیم‌گیری و عمل بر اساس منطق خود» معیاری است برای سنجش استقلال رسانه‌ای که رسانه‌های مستقل را از رسانه‌های دولتی متمایز می‌کند. نقش مقامات نظارتی (مؤسسات پخش مجوز، ارائه‌دهندگان محتوا، پلتفرم‌ها) و مقاومت در برابر مداخله سیاسی و تجاری، هر دو از اجزای مهم استقلال رسانه محسوب می‌شوند (Gallie. 1996:77). لازم به ذکر است فناوری‌های

جدید همانند سامانه‌های خودکار معنای نوینی به آنچه استقلال رسانه‌ها را تشکیل می‌دهد، اضافه کرده‌اند (Drunen, 2021:4)؛ که پرداختن به جنبه‌های مختلف آن نیازمند انجام یک تحقیق مستقل است.

۲. منع شدگان از مداخله

سؤالی که در این بخش به دنبال پاسخ‌گویی به آن خواهیم بود این است که استقلال رسانه‌ها از ناحیه چه کسانی می‌تواند مورد تعرض واقع شود؟ اسناد بین‌المللی با به‌کارگیری واژگان متفاوت، از استقلال رسانه‌ای حمایت کرده‌اند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی «دیگران» را از مداخله بازمی‌دارد. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مداخله «مقامات دولتی» و اعلامیه آمریکایی «مداخلات دولتی و خصوصی» را منع کرده‌اند. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر هرگونه مداخله را از ناحیه هرکس در امور رسانه‌ها منع کرده است (مرکز مالیری، ۱۳۸۵: صص ۵-۲)؛ بنابراین می‌توان گفت استقلال رسانه صرفاً از ناحیه دولت‌ها تهدید نمی‌شود و صاحبان قدرت‌های مالی، سیاسی و رسانه‌ای می‌توانند اخلاق و قانون را در جامعه به چالش بکشند (سرشار، ۱۳۹۱، ۱۹). به این ترتیب دولت، نیروهای بازار یا کنوانسیون‌های جریان اصلی (karppine, 2016:112) از مهم‌ترین ناقضین احتمالی استقلال رسانه به شمار می‌آیند. در قانون اساسی ایران هیچ‌گاه از عبارت استقلال رسانه و یا عبارتی شبیه آن استفاده نشده است. البته در برخی اصول قانون اساسی به استقلال و آزادی رسانه پرداخته شده است؛ از جمله اصل ۲۴ و همچنین اصل ۱۷۵ که تدابیری جهت حفظ استقلال تلویزیون تعبیه گردیده است. با مراجعه به قوانین عادی حوزه رسانه می‌توان دریافت که این قوانین نیز هیچ‌گاه به مفهوم استقلال رسانه توجه نداشته‌اند که این امر می‌تواند به تضعیف استقلال رسانه منتهی شود؛ اما در قوانین کشور مصر و به‌صورت خاص قانون اساسی آن پاره‌ها به استقلال رسانه و حتی ابعاد مختلف این استقلال پرداخته شده است. اصل ۷۲ قانون اساسی مصر در این خصوص مقرر می‌دارد: «دولت متعهد به تضمین استقلال مطبوعات و مؤسسات رسانه‌ای متعلق به دولت، برای اطمینان از بی‌طرفی و بیان تمام دیدگاه‌ها و گرایش‌های فکری و سیاسی و منافع اجتماعی است و مساوات و برابری فرصت‌ها را در انعکاس افکار عمومی تضمین می‌نماید.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این اصل دولت را مسئول تضمین استقلال رسانه در مصر می‌داند، در حالی که خود دولت به‌عنوان اصلی‌ترین عامل تعرض به استقلال رسانه در دنیای امروز شناخته شده است و اساساً استفاده از تعبیر استقلال رسانه‌ای در راستای صیانت رسانه از مداخلات دولتی می‌باشد. لذا واگذار نمودن تضمین استقلال رسانه به نهاد رگلاتور بهتر می‌تواند این هدف مهم را محقق سازد. نکته مهم دیگر اینکه در این اصل تعهد دولت محدود به تضمین استقلال رسانه‌های دولتی شده است و هیچ اشاره‌ای به رسانه‌های خصوصی و حزبی نشده است. با این حال سپردن وظیفه نظارت بر سلامت اداری و مشروعیت منابع مالی، به رگلاتور در موارد ۲۱۱ تا ۲۱۳ قانون اساسی مصر، می‌تواند حداقل در بعد مالی زمینه ممانعت از مداخله بازار و سایر جریان‌های غیردولتی در رسانه‌ها را فراهم آورد.

۱- اصل ۲۴ قانون اساسی بیان می‌دارد «تشریفات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند» اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز چنین مقرر داشته است: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد». نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط‌مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند

۳. مؤلفه‌های استقلال رسانه در ایران و مصر

همان‌گونه در مباحث پیشین گفته شد استقلال رسانه مانند بسیاری دیگر از مفاهیم حوزه علوم انسانی یک مفهوم مطلق و ثابت نیست؛ لذا درعین‌حال که اسناد حقوق بشری و قوانین اساسی کشورها به آن توجه داشته‌اند هر کشوری با توجه به شرایط سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی، امنیتی و... به شکل خاصی این استقلال را طراحی و اجرا نموده است. جدا از شدت و ضعف استقلال رسانه در کشورهای مختلف که ممکن است برخی کشورها از جمله کشورهای آمریکای شمالی و اروپای غربی استقلال بیشتری داشته باشند و برخی کشورهای دیگر استقلال کمتر یا حتی با عدم استقلال مواجه باشند. نحوه عملی کردن استقلال رسانه‌ها ممکن بسیار متفاوت است تا جایی که نمی‌توان صرفاً یک مدل را به‌عنوان مدل مطلوب ارائه کرد؛ اما استقلال از سیستم اداری، داشتن رگلاتور و استقلال آن، عدم الزام برخی رسانه‌ها در خصوص اخذ مجوز از دولت، داشتن منبع مالی کافی و مستقل از جمله مهم‌ترین مواردی هستند که در صورت تحقق آن‌ها می‌توان از استقلال رسانه سخن گفت. در این قسمت مهم‌ترین این مؤلفه‌ها در کشورهای ایران و مصر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱. مدیریت مستقل

به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین تهدید علیه استقلال رسانه نحوه اداره رسانه است، در این جا دو نگرانی می‌تواند وجود داشته باشد: اول اینکه رسانه‌های دولتی در غالب سلسله‌مراتب اداری جای بگیرند و دستورات از طرف مقامات دولتی به آن‌ها دیکته شود. بدون تردید یکی از بارزترین روش‌های مداخله در امور رسانه‌ها قرار دادن آن‌ها در ساختار سلسله‌مراتب اداری است. پرواضح است رسانه‌ای که از لحاظ اندامی مستقل نباشد و درون بدنه دولت یا سازمان‌های وابسته به دولت قرار بگیرد، نمی‌تواند فعالیت رسانه‌ای مستقل داشته باشد؛ چنین رسانه‌ای جزئی از ساختار دولت می‌شود و در قالب سلسله‌مراتب اداری، مقامات دولتی با ابزاری‌های مختلف می‌توانند آن را تحت فشار و یا هدایت خود قرار دهند؛ بنابراین، اولین گام در جهت جلوگیری از مداخلات دولتی در رسانه، عدم وابستگی به نهادها و ارگان‌های دولتی است (انصاری، ۱۳۹۱: ۴۱).

نگرانی دوم که ممکن است بسیار چالش‌برانگیز باشد بحث مالکیت رسانه است. دولت می‌تواند با ایجاد انحصار، بخش خصوصی را از رسانه‌ها دور نگه دارد و یا با واگذار کردن رسانه‌ها به جریان‌ها و احزاب خاص چند صدایی، تنوع و استقلال رسانه را با بحران مواجه کند. رسانه‌های متعلق به دولت یا شرکت‌های بزرگ حتی اگر در چهارچوب سلسله‌مراتب اداری قرار نگیرند؛ در صورتی که مؤلفه‌هایی مانند رگلاتور مستقل نداشته باشند چالش‌آفرین خواهند بود (المركز الإقليمي للحقوق و الحريات، ۲۰۲۳۴).

در ایران در خصوص مالکیت و نحوه اداره رسانه، سیستم واحدی وجود ندارد و هر کدام از رسانه‌ها به‌صورت مجزا مدیریت می‌شود. اصل ۱۷۵ قانون اساسی به‌صورت خاص به تلویزیون اختصاص یافته است. این اصل صراحتاً به هیچ‌کدام از روش‌های مالکیت تلویزیون، اشاره نداشته و تنها به چگونگی مدیریت رادیو و تلویزیون ملی و نحوه نظارت بر آن پرداخته و هیچ اشاره‌ای به ممنوعیت یا مجاز بودن فعالیت شبکه‌های خصوصی نداشته است. شورای نگهبان قانون اساسی در این خصوص بیان می‌دارد: «مطابق نص صریح اصل ۴۴ قانون اساسی، در نظام جمهوری اسلامی ایران، رادیو و تلویزیون دولتی است و تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو مغایر

این اصل می‌باشد. بدین جهت انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و غیره) برای مردم، در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، خلاف اصل مذکور است.^۱

بر این تفسیر ایراداتی وارد شده است (احمدی و دیگران، ۱۳۹۵:۵) که خارج از حوصله این مقاله است؛ بنابراین مالکیت شبکه‌های تلویزیونی و اداره آن صرفاً در اختیار حکومت است و بخش خصوصی حق ورود به این حوزه را ندارد. اما در خصوص نشریات موضوع متفاوت است و در کنار برخی از دستگاه‌های دولتی که مالک مطبوعات مشخصی هستند؛ اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی مالکیت نشریات مختلفی را بر عهده دارند. برابر ماده ۸ قانون مطبوعات با داشتن شرایط حداقلی می‌توان درخواست تأسیس نشریه نمود. برخلاف تلویزیون مطبوعات در ایران در انحصار دولت نیستند و در چهارچوب سلسله‌مراتب اداری قرار نمی‌گیرند.

گرچه در قالب کشورهای پیشرفته دنیا حقوق و آزادی‌ها و به‌صورت خاص استقلال رسانه‌ای روند رو به پیشرفتی داشته است و همواره سعی بر توسعه استقلال رسانه‌ها بوده است؛ اما کشور مصر روند متفاوتی را طی نموده است. در حالی که از سال ۱۸۸۰ روزنامه‌های خصوصی در این کشور به چاپ رسیده است -حدوداً ۲۰ سال پس از انتشار اولین روزنامه در ایران- (ساریخانی، ۱۴۰۲:۹۶) و مالکیت مطبوعات در اختیار بخش خصوصی بوده است، در گذر زمان این مالکیت به نهادهای عمومی منتقل شده است. اولین نهادی که اقدام به مالکیت روزنامه‌ها نمود ارتش بود. با شروع به کار ارتش مصر تمام مطبوعات بخش خصوصی در اختیار ارتش قرار گرفت. سال‌ها بعد و پس از ایجاد حزب کمونیست مطبوعات تحت نظر این حزب قرار گرفتند و غالب روزنامه‌های این دوره روزنامه‌هایی عموماً حزبی بودند. از سال ۱۹۸۰ به بعد مجدداً با تصویب اولین قانون مطبوعات بخش‌های خصوصی و تعاونی همچون بخش دولتی از حق تأسیس روزنامه و مطبوعات و برخوردار شدند که البته این قانون نیز دیری نپایید و توسط حسنی مبارک منسوخ اعلام گردید (Basyouni, 2002:18).

به این ترتیب تا قبل از انقلاب ۲۰۱۱ در مصر مالکیت رسانه‌ها عمدتاً در اختیار دولت بود. اگرچه در آخرین سال‌های منتهی به انقلاب اختیار تأسیس بعضی از شبکه‌های خبری به حامیان و همفکران دولت حسنی مبارک داده شد. پس از انقلاب مصر نیز برای دوره کوتاهی برخی از آزادی‌های رسانه‌ای و به‌تبع آن استقلال این رسانه‌ها در شرف گسترش بود که با کودتای ژنرال السیسی در سال ۲۰۱۳ استقلال رسانه‌ها مجدداً تحت تأثیر فضای جدید قرار گرفت (هدایتی، ۱۴۰۱:۱۰) و همان‌گونه که در مباحث آتی خواهد آمد کار به آنجا کشید که نقض استقلال و آزادی رسانه‌ها از طریق تصویب قوانین مغایر با قانون اساسی مصر پیگیری می‌شود.

ماده ۷۰ قانون اساسی مصر به‌عنوان مهم‌ترین محور قوانین در تعیین و تعریف حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی از یک سو و حد و مرز حقوق آزادی‌های شهروندان در برابر عملکرد قدرت از سوی دیگر (خابوری گل اشکانی و دیگران، ۱۴۰۴:۲۶)؛ در این خصوص اشعار می‌دارد: «آزادی مطبوعات و چاپ و نشر مقاله مکتوب، بصری، سمعی و الکترونیکی تضمین شده است. مصریان از جمله اشخاص حقیقی، حقوقی، عمومی و خصوصی، حق مالکیت و انتشار روزنامه و ایجاد وسایل اطلاع‌رسانی بصری و سمعی و این رسانه‌های دیجیتال را دارند...» با وجود ظاهر بسیار دموکراتیک قانون اساسی مصر و تأکید فراوان آن بر حقوق و آزادی‌های عمومی و به‌صورت خاص استقلال و آزادی

۱- نظریه تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصول ۴۴ و ۱۷۵ قانون اساسی.

رسانه، قانون «تنظیم مطبوعات، رسانه‌ها و رگلاتور» که در سپتامبر ۲۰۱۸، به تصویب رسید؛ محدودیت‌های متفاوتی را ایجاد کرده است. ماده ۶ این قانون تمام روزنامه‌ها، وبسایت‌ها و مؤسسات رسانه‌ای را ملزم به اخذ مجوز نمود و در صورت عدم اخذ مجوز شورای عالی رسانه می‌تواند نسبت به توقیف رسانه‌ها اقدام نماید (عواضه، ۲۰۲۰: ۶). مطابق ماده ۱۹۴ همین قانون حساب‌های شخصی در صفحات مجازی مانند فیس‌بوک و توئیتر و همچنین وبلاگ‌های شخصی، در صورتی که تعداد دنبال کنندگان آن‌ها به پنج هزار نفر برسد، برای فعالیت به اخذ مجوز نیاز دارند (عبدالمحسن، ۲۰۱۷: ۱۱). ملاحظه می‌شود در این معیار نیز مانند معیارهای پیشین یک سیر نزولی از قانون اساسی وجود دارد که اتفاقاً از شیب بسیار تندی نیز برخوردار است که در نهایت می‌تواند به امحای استقلال رسانه‌ها در مصر منجر شود.

از طرف دیگر در سال‌های اخیر دولت مصر و به‌صورت خاص نهادهای امنیتی مالکیت و اداره شرکت‌های بزرگ رسانه‌ای را بر عهده گرفته‌اند و آنچه از این رسانه‌ها بیرون می‌آید صرفاً صدای دولت ژنرال سیسی می‌باشد. در تأیید این ادعا می‌توان به چند مورد از مهم‌ترین شرکت‌های رسانه‌ای اشاره کرد. اعلام المصریین یکی از مهم‌ترین شرکت‌های رسانه‌ای مصر است که شبکه تلویزیونی on tv، کانال cbc، و روزنامه‌های صوت الامه، دوت مصر، عین المشاهیر و چندین روزنامه دیگر و شرکت‌های سینمایی مختلفی را در اختیار دارد (Mansour, 2015: 12). مالکیت این شرکت به دالیا خورشید وزیر گردشگری و همسر ریس کل بانک مرکزی مصر واگذار شد. همین شخص علاوه بر این مالکیت چندین شبکه رادیویی را در اختیار دارد. دولت سیسی به این مقدار کفایت نکرد و تمام این شرکت‌ها و چندین شبکه دیگر توسط وزارت اطلاعات مصر خریداری شد. سازمان اطلاعات مصر به ساخت فیلم و سریال نیز ورود پیدا کرد. به‌عنوان نمونه تمام ۲۵ فیلم و سریالی که در ماه رمضان ۲۰۱۹ پخش شد؛ همگی توسط شرکت‌های تحت مالکیت این وزارت ساخته شده است (هدایتی، ۹۸: ۱۴۰۰). به نظر می‌رسد با ورود نهادهای امنیتی به رسانه‌ها و مالکیت این نهادها بر رسانه، استقلال رسانه آرزویی غیرقابل تحقق باشد.

لازم به ذکر است در کشورهایی که استقلال رسانه نهادینه شده است؛ بحث از وجود pms یا همان «رسانه‌های خدمت عمومی» می‌شود. در این رسانه‌ها اینکه مالک رسانه چه کسی است کمتر مورد توجه واقع می‌شود و بیشتر بر کارکرد صحیح و مطلوب رسانه‌ها تأکید می‌شود. در این سیستم مؤلفه‌هایی مانند جهانی بودن، استقلال، تعالی، تنوع، مسئولیت‌پذیری و نوآوری pms مورد تأکید قرار می‌گیرد و میزان مشروعیت رسانه را این مؤلفه‌ها مشخص می‌کنند. حرکت به سمت چنین فضایی فقط یک تغییر به سمت چند صدایی و تنوع نیست، بلکه مستلزم یک حرکت از رویکردهای عرضه محور به سمت رویکردهای تقاضامحور است که در آن مخاطبان به‌جای هدف، شریک محسوب می‌شوند (Javie rand Cappello, 2022: 8).

۳-۲. رگلاتور مستقل

با توجه به لزوم نظارت بر رسانه‌ها به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده و از طرفی ترس از مداخله دولت در امور رسانه، یکی از مهم‌ترین توصیه‌ها برای افزایش استقلال مطبوعات، ایجاد یک نهاد نظارتی مستقل است (امین، ۲۰۰۷: ۴۰). این مهم مورد تأکید بند هفتم اصل یکم اعلامیه اصول آزادی بیان در آفریقا (اعلامیه آفریقایی) مصوب سی و دومین

نشست کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها به تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۲ قرار گرفته است؛^۱ بنابراین، لازم است نهادهای مستقل بر رسانه‌ها نظارت کنند. استدلال اولیه آن است که نهادهای بازدارنده به روش‌هایی عمل می‌کنند که منافع مدیران را نسبت به منافع دولت در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی تأمین کنند (Subhradipta, 2008: 54).

با توجه به اهمیت موضوع، در کشورهای پیشرو عمدتاً یک رگلاتور واحد غیردولتی بر رسانه‌ها نظارت دارد. در آمریکا کمیته ارتباطات فدرال و در انگلستان آفکام این وظیفه را بر عهده دارند. فرانسه نیز در سال‌های اخیر با حذف برخی از رگلاتورهای مختلف همچون شورای عالی سمعی و بصری که هر کدام بر یک رسانه خاص نظارت داشته است؛ در راستای ایجاد رگلاتور واحد گام برداشته است.

در ایران یک رگلاتور واحد برای تنظیم فعالیت‌های رسانه‌ای وجود ندارد. نظارت بر تلویزیون مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی بر عهده هیئتی مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضاییه و مجلس می‌باشد؛ اما از آنجا که عزل و نصب رئیس سازمان بر عهده مقام رهبری می‌باشد و با توجه به مشروح مذاکرات بازنگری قانون اساسی که این نظارت کلی و فراگیر نمی‌باشد و اینکه تعیین نحوه نظارت و قانون‌گذاری در این حوزه بر عهده مجلس شورای اسلامی است (بهینیا، ۱۳۸۵: ۵۱) و همچنین به دلیل اینکه شورا مستقلاً حق هیچ‌گونه اقدامی ندارد و صرفاً به تهیه گزارش برای مقامات و نهادها می‌پردازد^۲ و شورا تشکیلات منسجم و سازمان یافته و بودجه مناسب و در شأن یک رگلاتور مستقل را ندارد به‌سختی می‌تواند وظایف خود را به‌عنوان یک رگلاتور حرفه‌ای و کارآمد انجام دهد. در مورد رسانه‌هایی که در بستر اینترنت فعالیت دارند به نظر می‌رسد نهادهای مختلفی در نقش رگلاتور ظاهر شده‌اند که این امر می‌تواند باعث بروز برخی ناهماهنگی‌ها و مشکلات بعدی باشد. هرچند با تشکیل شورای عالی فضای مجازی یک نوع مرجعیت در این خصوص به وجود آمده است؛ اما ایراد اساسی که می‌توان به این شورا وارد کرد، این است که اعضای آن به‌صورت کامل توسط مقامات رسمی و از میان مسئولین تعیین می‌شوند که این امر می‌تواند استقلال شورای عالی فضای مجازی را مخدوش نماید.

برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون اساسی کشور مصر به‌صورت بسیار کامل و برجسته به نهاد رگلاتور پرداخته است؛ تا جایی که عنوان فصل دهم این قانون «شورای عالی سازمان‌دهی رسانه» نام گرفته است. مواد ۲۱۱، ۲۱۲ و ۲۱۳ این قانون به نهاد رگلاتور، وظایف و اختیارات و نحوه تشکیل آن اختصاص یافته است. نکته جالب توجه این است که به‌جای توجه به رگلاتور واحد، سه نهاد تنظیم‌کننده فعالیت‌های رسانه‌ای در قانون اساسی مصر پیش‌بینی شده است.

اصل ۲۱۱ قانون اساسی مصر مقرر می‌دارد: «شورای عالی سازمان‌دهی رسانه نهادی مستقل است که از شخصیت حقوقی، استقلال فنی و مالی برخوردار و دارای بودجه مستقل است. شورا صلاحیت سازمان‌دهی عملکرد رسانه‌های

۱- هر سازمان و مسئول دولتی که در قسمت‌های پخش رادیو تلویزیونی یا اعمال مقررات ارتباطاتی نقش دارد، باید مستقل باشد و به‌طور برابر در مقابل مداخلات، به‌ویژه مداخله‌های سیاسی و اقتصادی، پاسداری و حفاظت به عمل آورد.

۲- ماده ۳ قانون نحوه اجرای اصل ۱۷۵ مصوب ۱۳۷۰ در این خصوص بیان می‌دارد: شورای نظارت که مسئولیت نظارت بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را بر عهده دارد وظایف زیر را انجام خواهد داد. ۱- نظارت بر حسن انجام کلیه امور سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و تذکرات لازم در مورد تخلفات و انحرافات جهت اصلاح امور مذکور. ۲- نظارت بر سیاست‌های اجرایی که در نظر است در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به مرحله اجرا دربیاید و اعلام نظر اصلاحی شورا به رئیس سازمان ۳- نظارت بر حسن اجرا قوانین مربوطه در سازمان صدا و سیما ۴- نظارت بر ایجاد و یا انحلال هر بخش، واحد شعبه و دفاتر و نمایندگی در سازمان ۵- نظارت بر انعقاد قراردادهای خریدهای داخلی و خارجی سازمان ۶- نظارت بر سایر امور که سازمان طبق قانون بر عهده دارد و انجام می‌دهد ۷- گزارش منظم و مستمر از جریان امور در سازمان به مقام معظم رهبری و قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران.

دیداری، شنیداری، مکتوب، دیجیتال و دیگر رسانه‌ها را بر عهده دارد. شورا مسئولیت حفاظت از آزادی، استقلال، تنوع و بی‌طرفی رسانه‌ها را بر عهده دارد و در خصوص مشروعیت منابع تأمین مالی رسانه‌ها نظارت لازم را به عمل خواهد آورد... نحوه تشکیل شوری را قانون مشخص می‌نماید... نظرات شورا در تهیه و تصویب طرح‌ها و لوایحی که در حوزه عملکرد آن است مورد توجه قرار می‌گیرد».

اصل ۲۱۲ قانون اساسی مصر نیز تصریح می‌کند: «سازمان ملی مطبوعات، نهادی مستقل است که مسئولیت مدیریت مؤسسات مطبوعاتی دولتی، توسعه آن‌ها و افزایش دارایی‌های آن‌ها، تضمین نوسازی، استقلال و بی‌طرفی آن‌ها با پایبندی به عملکرد حرفه‌ای، اداری و اقتصادی سالم را بر عهده دارد. تشکیل سازمان، سیستم کاری و شرایط استخدام کارکنان آن را قانون تعیین می‌کند. نظر سازمان در پیش‌نویس قوانین و مقررات مربوط به حوزه کاری آن لحاظ خواهد شد». اصل ۲۱۳ قانون اساسی مصر تصریح می‌کند که «سازمان رسانه ملی نهادی مستقل است که مسئول مدیریت مؤسسات رسانه‌ای تصویری، رادیویی و دیجیتال دولتی، توسعه آن‌ها و افزایش دارایی‌های آن‌ها، تضمین استقلال و بی‌طرفی آن‌ها و پایبندی به عملکرد حرفه‌ای، اداری و اقتصادی سالم است. تشکیل سازمان، سیستم کاری آن و شرایط استخدام کارکنان آن را قانون تعیین می‌کند».

با اندکی دقت در متن مواد پیش گفته مشخص می‌شود، ماده ۲۱۱ صرفاً ناظر بر رسانه‌های غیردولتی است؛ چراکه برخلاف اصول ۲۱۲ و ۲۱۳ اسمی از رسانه‌های دولتی به میان نیامده است و دیگر آنکه اصول ۲۱۲ و ۲۱۳ به تفکیک نوع رسانه، به نهادهای ناظر بر رسانه‌های دولتی پرداخته‌اند و دلیلی برای شمول اصل ۲۱۳ بر این رسانه‌ها وجود نداشته باشد. نکته دیگر آنکه شورای عالی سازمان‌دهی رسانه در این خصوص صلاحیتی گسترده دارد و انواع رسانه‌های مکتوب، دیجیتال و دیگر رسانه‌ها که شامل رسانه‌های نوین می‌باشد را در بر می‌گیرد.

در خصوص این اصول نکات مهم و قابل توجهی به چشم می‌آید که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: اول آنکه استقلال رسانه و استقلال نهاد ناظر مورد توجه خاص و ویژه قانون‌گذار مصر بوده است که می‌توان آن را بی‌سابقه توصیف کرد. دوم آنکه قانون‌گذار در اصل ۲۱۱ علاوه بر اینکه بر استقلال رسانه و نهاد ناظر تأکید دارد، جنبه‌های گوناگون این استقلال را نیز احصا می‌نماید؛ که این امر بیانگر برجستگی خاص این مفهوم در قانون اساسی مصر است. سوم آنکه در آخرین جمله هر کدام از این مواد مورد بحث بر نقش رگلاتور در تهیه و تصویب طرح‌ها و لوایح در حوزه صلاحیت هر کدام از این نهادها تأکید شده است و این امر نویدبخش شکل‌گیری یک نهاد تنظیم‌گر به معنای واقعی است.

اگر چه متن قانون اساسی بسیار امیدوارکننده است اما پس از استقرار دولت السیسی و به دنبال حدوداً دو سال فعالیت رسانه‌ای نسبتاً منطبق با معیارهای دمکراتیک، متأسفانه دولت متعرض رسانه‌ها شده و آرمان‌های قانون اساسی به فراموشی سپرده شد. نهادهای تنظیم‌گر نیز از سلطه دولت مصون نماندند و استقلال آن‌ها به روش‌های مختلف با چالش جدی مواجه شده است.

نهادهای تنظیم‌گر در مصر مانند نظام‌های دمکراتیک دنیا توسط شورا یا هیئت‌مدیره رهبری می‌شوند؛ اما آنچه میزان استقلال نهاد ناظر یا رگلاتور را مشخص می‌کند، میزان وابستگی اعضای شورا به مقامات و بخصوص مقامات قوه مجریه می‌باشد. این سه رگلاتور در مصر تقریباً به شکل واحدی مدیریت می‌شوند، به نحوی که برخی از وزارتخانه‌های دولتی مانند وزارت ارتباطات و یا هیئت‌مدیره سندیکای روزنامه‌نگاران و... معمولاً دو برابر افراد مورد

نیاز را به رئیس‌جمهور معرفی می‌نمایند و انتخاب از میان افراد معرفی شده با شخص رئیس‌جمهور است. گرچه با توجه به حضور نمایندگان اصناف در کنار مقامات دولتی تصور می‌شود استقلال رگلاتور تأمین می‌شود؛ اما به علت اینکه اعضای معرفی شده به ریس‌جمهور حتی روزنامه‌نگاران، تحت فشار و انتخاب مقامات دولتی معرفی می‌شوند (المركز الإقليمية للحقوق والحریات: ۱۴۴۵، صص ۲۹-۳۴) و از آنجا که از این تعداد نیز انتخاب نهایی با رئیس‌جمهور می‌باشد و در صورت عدم معرفی نامزدها در زمان مقرر، ریس‌جمهور رأساً اقدام می‌نماید و نیز با توجه به اینکه رئیس‌شورا انتخاب و منصوب رئیس‌جمهور است، نهادهای ناظر بر رسانه‌ها استقلال کافی را ندارند و تحت تأثیر مستقیم دولت و مقامات اجرایی می‌باشند.

با بررسی تحولات قانونی برای ایجاد رگلاتورها در تنظیم امور رسانه‌ها، مشخص می‌شود که هنگامی که اصول قانون اساسی از تأسیس رگلاتور برای تنظیم عملکرد حرفه‌ای رسانه‌ها سخن می‌گویند، یا هدف اصلی تأسیس این رگلاتورها، نظارت بر امور این حرفه‌ای رسانه‌ها است به گونه‌ای است که آزادی و استقلال آن‌ها تأمین شود (عبدالمحسن عبد الفتاح: ۱۴۳۹۳۵). با این حال، تصویب قوانین جدید در حوزه رسانه‌ها و به صورت خاص قانون «مطبوعات، رسانه‌ها و رگلاتورها» ضمانت‌های تشکیل آن‌ها را به دامنه مندرج در متون قانون اساسی برای آزادی و استقلال آن‌ها گسترش نمی‌دهند، زیرا تشکیل این شوراها و نهادهای تحت سلطه اختیارات گسترده دولت برای انتخاب اعضای آن‌ها، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، است.

۳-۳. استقلال مالی

حیات رسانه وابستگی بسیار زیادی به توان و امکانات مالی دارد. نبود یا کمبود قدرت مالی می‌تواند فعالیت رسانه‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده و کیفیت کار آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. رسانه‌هایی که برای تأمین هزینه‌های خود از کمک‌های دولتی استفاده می‌کنند، به صورت محسوس و غیر محسوس زمینه را برای دخالت مراجع دولتی در فعالیت‌های رسانه‌ای خود فراهم می‌کنند (انصاری، ۱۳۹۱: ۴۹). به همین علت در بسیاری از کشورهای دنیا رسانه‌ها در کنار فعالیت‌های اصلی خود برای تأمین مخارج و هزینه‌ها به فعالیت‌های صنعتی و تجارتي می‌پردازند.

مدل دیگری از مداخله در تاریخ رسانه وجود داشته که دولت سعی کرده است با تحمیل بار مالی بر رسانه‌ها از فعالیت آن‌ها جلوگیری کند و مجوز فعالیت به آن‌ها ندهد؛ برای مثال در زمان حکومت محمد رضا شاه در سال ۱۳۳۴، جهت ایجاد فشار بیشتر بر مطبوعات قانون موقتی برای مطبوعات وضع گردید. بر اساس این قانون صاحب امتیاز مکلف بود برای انتشار روزنامه مبلغ پنج هزار تومان و برای نشر مجله یک هزار و پانصد تومان تضمین بانکی پرداخت کند (علمداری ۱۳۸۹: ۴۴). حکم بر جریمه‌های سنگین مالی علیه رسانه‌ها نیز می‌تواند به ابزاری مالی علیه رسانه تبدیل شود؛ بنابراین، دولت هم از طریق تحمیل هزینه و هم از طریق تأمین هزینه‌های رسانه می‌تواند استقلال آن‌ها را خدشه‌دار نماید.

با توجه به اینکه صدا و سیما ایران در اختیار و انحصار دولت است، بودجه آن نیز مطابق ماده ۲۲ قانون اساسنامه سازمان صدا و سیما از حق پخش محصولات، عواید حاصل از اجرای قانون توسعه شبکه تلویزیونی کشور، درآمدهای ناشی از فعالیت‌های تولیدی، وجوه دریافتی از محل بودجه کل کشور، اعتبارات از محل بودجه عمرانی، درآمدهای ناشی از اجرا و پخش برنامه‌های تبلیغاتی و آگهی‌های بازرگانی و

کمک‌های نقدی یا غیر نقدی اشخاص حقیقی و حقوقی تأمین می‌گردد. به نظر می‌رسد اگرچه منابع متعددی در ماده فوق‌الذکر بیان شده است اما عمده بودجه سازمان صدا و سیما از محل بودجه عمومی کشور تأمین می‌گردد. به نحوی که در سال ۱۴۰۴ این رغم حدود ۲۴ هزار میلیارد بوده است؛ بنابراین وابستگی این سازمان به بودجه عمومی کاملاً مشهود است. هرچند درآمد ناشی از تبلیغات تلویزیونی نیز ممکن است بخشی از هزینه‌های صدا و سیما را پوشش دهد.

اصل ۲۱۱ قانون اساسی مصر علاوه بر اینکه بر استقلال مالی نهاد ناظر و ضرورت برقراری ردیف بودجه مستقل تأکید کرده است، شورای عالی سازمان‌دهی رسانه را مسئول نظارت بر منابع مالی رسانه‌های غیردولتی قرار داده است. این امر در جهت ممانعت از وابستگی رسانه‌ها به منابع ثروت می‌تواند حائز اهمیت اساسی باشد؛ اما این اصل صرفاً ناظر بر رسانه‌های خصوصی است و در خصوص رسانه‌های دولتی این مهم مورد توجه قرار نگرفته است. اصول ۲۱۲ و ۲۱۳ که به ترتیب ناظر بر مطبوعات و رسانه‌های دیداری و شنیداری خصوصی مصر است بر سلامت اقتصادی این رسانه‌ها تأکید دارد که بدون تردید عدم وابستگی به منابع ثروت می‌تواند از جنبه‌های مهم سلامت اقتصادی و تضمین‌کننده استقلال رسانه‌ها باشد.

با وجود آنکه مطابق ماده ۷۰ قانون اساسی مصر مالکیت رسانه‌ها برای عموم اشخاص حقیقی و حقوقی آزاد است و صرفاً اطلاع‌رسانی صاحب روزنامه کفایت می‌کند.^۱ ماده ۳۵ قانون «تنظیم مطبوعات، رسانه‌ها و رگلاتور» حق اشخاص حقیقی و حقوقی برای تأسیس روزنامه را به واریز مبلغی مشروط کرده است. صدور مجوز در مورد روزنامه‌هایی که به صورت روزانه به چاپ می‌رسند نیز مشروط به واریز مبلغ ۶ میلیون پوند مصر به بانک مرکزی شده است. طبق ماده ۵۴ همین قانون برای تأسیس یک کانال تلویزیونی خبری یا عمومی، سرمایه شرکت مؤسس نباید کمتر از ۵۰ میلیون پوند مصر باشد.

جدا از آنچه که در قانون اساسی بیان شده در عمل وضعیت استقلال مالی رسانه‌های مصری تا حدودی متفاوت است. برای هر خانوار مبلغ کمی (۰.۰۲۵ سنت) جهت اشتراک برنامه‌های تلویزیونی به فیش‌های برق اضافه می‌شود که درآمد کافی برای پوشش هزینه‌ها را تأمین نمی‌کند. هر چند مقداری از بودجه شبکه‌های تلویزیونی توسط تبلیغات تأمین می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد این منبع نیز جهت تولید محصولات مطلوب تلویزیونی ناکافی است. تا جایی که در سال ۲۰۱۷ شبکه‌های تلویزیونی با ۳۲۷ میلیون دلار کسری بودجه مواجه شدند که از طریق منابع دولتی تأمین شد. لازم به ذکر است هزینه این شبکه‌ها در حدود ۴۴۵ میلیون دلار بوده است (MEDINA, 2023: 14)؛ بنابراین وابستگی شدید مالی به منابع دولتی و عدم استقلال شبکه‌های تلویزیونی در مصر امری واضح است که زمینه مداخله دولت و مقامات دولتی را فراهم می‌آورد.

به صورت کلی در خصوص سطح استقلال مالی سایر رسانه‌های مصر نیز باید گفت رسانه‌های حزبی با توجه به توزیع نامناسب عمدتاً با ضعف شدید بودجه مواجه می‌باشند؛ در نتیجه نه متنوع هستند و نه تأثیرگذار. رسانه‌های خصوصی هم که پس از افول رسانه‌های دولتی و حزبی به دلیل ریزش مخاطبان آن‌ها، شاهد رشد چشمگیری

۱- «آزادی مطبوعات و چاپ و نشر مقاله مکتوب، بصری، سمعی و الکترونیک تضمین شده است. مصریان و از جمله اشخاص حقیقی و حقوقی، عمومی و خصوص حق مالکیت و انتشار روزنامه و ایجاد وسایل سمعی، بصری و الکترونیکی را دارند روزنامه به محض اطلاع و به نحوی که قانون مشخص می‌کند انتشار می‌یابد...»

بوده‌اند و بخش بزرگی از مخاطبان رسانه‌های دولتی و حزبی را به خود اختصاص داده‌اند، به علت بیان جهت‌گیری‌ها و مواضع تأمین‌کنندگان مالی از استقلال کامل برخوردار نیستند (المركز الإقليمي للحقوق و الحريات،: ۲۰۲۳/۱۸).

۳-۴. استقلال ماهوی

استقلال در تولید محتوا هم ناظر بر تولید محتوا به خواست و اراده رسانه است و هم عدم الزام به تولید محتوای خاص از سوی دولت و مقامات، اگر چه در هیچ جای دنیا در تولید محتوا استقلال کامل وجود ندارد و محدودیت‌هایی همچون امنیت مل، نظم عمومی، بهداشت عمومی و... به عنوان خط قرمز تولیدات رسانه‌ای شناخته شده‌اند، که پرداختن به آن‌ها خارج از حوصله این مقاله است؛ اما به صورت مختصر نکاتی در این خصوص بیان می‌گردد. اولین ایراد مربوط به فصل دوم قانون مطبوعات با عنوان «رسالت مطبوعات» می‌باشد. همان‌گونه که از عنوان این فصل پیداست برای مطبوعات رسالت و یا تکلیف مشخص کرده است و مطبوعات باید در این خصوص اقدام به تولید و نشر محتوا کنند (رحمانی، ۱۳۸۹: ۳-۷). بدون تردید الزام مطبوعات غیردولتی به نشر محتوایی خاص، به‌ویژه مطبوعاتی که با هزینه‌های غیردولتی مدیریت می‌شوند مداخله دولت در رسانه محسوب می‌شود و آشکارا با استقلال رسانه در تضاد است. این ایراد در آنجا برجسته می‌شود که ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۹۵ یک گام فراتر نهاده و اعلام می‌دارد عدم رعایت ضوابط مندرج در ماده (۲) قانون مطبوعات و این آیین‌نامه از سوی رسانه داخلی دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی منجر به صدور تذکر کتبی و در صورت تکرار تخلف، موجب لغو مجوز خواهد شد.

در ماده ۲۲ قانون جرائم رایانه‌ای کمیسیونی به نام کمیسیون تعیین محتوای مجرمانه را پیش‌بینی شده است.^۱ غالب اعضای آن از مسئولان اجرایی کشور هستند و برخی از آن‌ها تخصصی در حوزه حقوق و آزادی‌های عمومی ندارند. کمیسیون یادشده در تاریخ ۱۳۹۰/۰۲/۰۳ اقدام به انتشار سیه‌های از جرائم در فضای مجازی در چهار بخش مجزا نموده است. اگرچه اکثریت جرائمی که کمیسیون یادشده مشخص کرده است در قوانین دیگر مانند قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات به‌عنوان جرم اعلام شده، اما متأسفانه در برخی موارد کمیسیون مورد بحث بدون ارجاع به قانون خاصی برخی فعالیت‌ها را (همچون لینک دادن به فیس‌بوک) مجرمانه اعلام نموده است. در واقع، این کمیسیون وارد صلاحیت خاص قانون‌گذار شده و اقدام به جرم‌انگاری کرده است.

۱- - قوه قضائیه موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را در محل دادستانی کل کشور تشکیل دهد. وزیر یا نماینده وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما و فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر خبره در فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک نفر از نمایندگان عضو کمیسیون قضائی و حقوقی به انتخاب کمیسیون قضائی و حقوقی و تأیید مجلس شورای اسلامی اعضای کارگروه (کمیته) را تشکیل خواهند داد. ریاست کارگروه (کمیته) به عهده دادستان کل کشور خواهد بود. تبصره ۱- جلسات کارگروه (کمیته) حداقل هر پانزده روز یک بار و با حضور هفت نفر عضو رسمیت می‌یابد و تصمیمات کارگروه (کمیته) با اکثریت نسبی حاضران معتبر خواهد بود. تبصره ۲- کارگروه (کمیته) موظف است به شکایات راجع به مصادیق پالایش (فیلتر) شده رسیدگی و نسبت به آن‌ها تصمیم‌گیری کند. تبصره ۳- کارگروه (کمیته) موظف است هر شش ماه گزارشی در خصوص روند پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه را به رؤسای قوای سه‌گانه و شورای عالی امنیت ملی تقدیم کند.

در این خصوص باید توجه داشت قانونی بودن محدودیت‌ها به‌عنوان اولین شرط، به معنای وضع محدودیت‌ها از سوی قوه مقننه می‌باشد چرا که واگذاری قدرت تشخیص محدودیت‌ها به حکومت فاجعه‌آمیز خواهد بود (Toby Mendel, 2008: 24).

با نگاهی به وضعیت رسانه‌ها در کشور مصر اگر چه موردی همچون قرار دادن رسالت برای رسانه‌ها نمی‌توان یافت اما با توجه به مالکیت دولتی رسانه‌ها و وابستگی آن‌ها به نهادهای امنیتی دولت ژنرال السیسی، این رسانه‌ها عملاً به بازوی تبلیغاتی دولت تبدیل شده و به روش‌های مختلفی در چهارچوب خواست و اراده دولت کار می‌کنند. رسانه‌ها در مصر اغلب به تأیید اقدامات دولت، تلقین قدرتمندی و کارایی دولت مصر به مردم با استفاده از سرتیترهای خبری غالباً تکراری و خائن معرفی نمودن مخالفان دولت می‌پردازند (هدایتی، ۱۴۰۰، صص ۱۰۱-۱۰۳). دولت مصر این سیاست را از طریق گماشتن نزدیکان خود به‌ویژه از میان افراد نظامی و امنیتی به انجام می‌رساند.

یکی از قوانینی که در کشور مصر مداخله دولت در رسانه‌ها را تسهیل و قانونی نموده است و بر استقلال رسانه‌ها سایه افکنده است قانون مبارزه با جرائم سایبری مصوب سال ۲۰۱۸ می‌باشد (عبد المحسن عبد الفتاح، ۲۰۱۷: ۲۰). ماده ۷ این قانون، حق مسدود کردن وبسایت‌هایی که ممکن است تهدیدی برای امنیت ملی باشند را به پلیس می‌دهد. دادن اختیار مسدود کردن رسانه‌هایی که در فضای مجازی فعالیت دارند به یک مقام غیر قضایی و بدون نیاز به اثبات جرم و آن هم با توسل به مفاهیمی کلی و قابل تفسیر همچون امنیت ملی می‌تواند تعرض به اصل قانونی بودن و استقلال رسانه‌ای تلقی شود.

با توجه به موارد فوق مشاهده می‌شود استقلال ماهوی رسانه‌ها در هر دو کشور به‌صورت کامل حفظ نمی‌شود و الزام‌هایی برای چاپ مطالب خاص در رسانه‌ها وجود دارد یا این تفاوت که فصل دوم قانون مطبوعات با وجود اینکه الزام قانونی وجود دارد، عملاً مسئولیتی متوجه مطبوعات از باب ترک وظیفه نمی‌گردد؛ اما در مصر با وجود اینکه الزام قانونی وجود ندارد مطبوعات تحت فشار بیشتری قرار دارند و معمولاً به تبلیغ سیاست‌های دولت می‌پردازند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق که دارای اشتراکات فرهنگی نیز می‌باشند؛ علی‌رغم وجود برخی تفاوت‌ها در زمینه حقوق رسانه و به‌صورت خاص استقلال رسانه، دارای اشتراکات بسیاری می‌باشند. در عین حال تمایزات بسیار زیادی نیز قائل مشاهده است. در حالی که قانون اساسی کشور مصر به‌صورت بسیار ویژه و جالب توجه استقلال رسانه و ابعاد آن و حتی استقلال نهاد ناظر را برجسته کرده و تدابیری نیز جهت نیل به این استقلال تعبیه نموده است تا جایی می‌توان ادعا کرد قانون اساسی کشور مصر در این مورد بی‌مانند است و قانون اساسی در هیچ کشوری به این نحو بر استقلال رسانه تمرکز نداشته است. در نقطه مقابل در قانون اساسی ایران، عبارت استقلال رسانه یک عبارت غریب است که در این قانون و حتی قوانین عادی حوزه رسانه مغفول مانده و توجهی به آن نشده است. با وجود جایگاه خاص استقلال رسانه در مهم‌ترین سند حقوقی کشور مصر، متأسفانه رسانه‌ها در برابر مداخلات بی‌شمار دولتی که از قضا ابعاد مختلفی نیز دارد، مصون نمی‌باشند. دولت ژنرال السیسی که نیک می‌داند رسانه‌ها نقش بی‌بدیلی در انقلاب سال ۲۰۱۱ کشور مصر داشته‌اند و به‌راحتی می‌توانند این نقش را تکرار و به تهدیدی علیه او تبدیل شوند با تصویب قوانین عادی مغایر با قانون اساسی از جمله قانون مبارزه با جرائم سایبری و

قانون تنظیم رسانه‌ها مداخله در رسانه را به امری قانونی تبدیل نموده است. این جدا از مداخلاتی است که نیازمند نقض قانون اساسی نمی‌باشد (همچون اعطای مالکیت شرکت‌های بزرگ رسانه‌ای به چهره‌ها و نهادهای امنیتی). در ایران نیز جنبه‌های مختلف استقلال با چالش مواجه است رسانه‌ها از منابع کافی مالی برخوردار نیستند. یک رگلاتور قدرتمند و مستقل که بتواند فعالیت‌های رسانه‌ای را تنظیم نماید وجود ندارد، بخش خصوصی حق ورود به عرصه رادیو-تلویزیون را ندارند و در نهایت به نظر می‌رسد همچنان جای خالی یک قانون جامع رسانه‌ای در کشور احساس می‌شود. قانونی که علاوه بر برجسته کردن استقلال رسانه، به ابعاد مختلف این استقلال توجه ویژه داشته و تمامی مؤلفه‌های استقلال رسانه را در نظر داشته باشد. تأمین منابع مالی مستقل از دولت و کانون‌های قدرت و ثروت، ایجاد یک رگلاتور تخصصی قدرتمند که خود این رگلاتور نیز تمامی مؤلفه‌های استقلال را دارا باشد، به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی رسانه‌ها، حذف مجوز شروع به فعالیت مطبوعات و کانال‌های اجتماعی که در بستر شبکه‌های اجتماعی فعالیت دارند، عدم الزام رسانه‌ها به نشر محتوای خاص از مهم‌ترین مواردی است که در هرگونه قانون‌گذاری جدید در حوزه رسانه باید مورد توجه واقع شود.

منابع**فارسی:**

- احمدی، سید محمدصادق و ناصری، علی رضا، (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی محدودیت‌های آزادی بیان در تلویزیون از منظر اسناد بین‌الملل حقوق بشر و حقوق موضوعه ایران»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۲، صص ۱۷۷-۱۵۳
- انصاری، باقر (۱۳۹۱). حقوق رسانه، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت،
- بهنیا، مسیح و علیپور، فریده، (۱۳۸۵) «تأملی در ماهیت حدود وظایف و اختیارات شورای نظارت بر صدا و سیما» مجلس و پژوهش سال سیزدهم، شماره ۵۱، صص ۱۱۹-۱۳۷
- خابوری گل اشکانی، امیر حسین، فقیه حبیبی، علی، وارسته، محمد، (۱۴۰۴) تضمینات اجرایی حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی در حقوق ایران و عراق، مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، دوره ۳، شماره ۳، صص ۲۳-۴۵
- رحمانی، محمدصدیق، (۱۳۸۹) حقوق مالکیت فکری سازمان‌های پخش و تصویر، چاپ اول، تهران: نشر میزان،
- ساریخانی، عادل، نقش متقابل امنیت و استقلال با جرائم مطبوعاتی در اسلام و حقوق موضوعه، مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۱۴-۸۹
- سرشار، محمد، (۱۳۹۱) حقوق مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا: بررسی تطبیقی آزادی‌ها، امتیازات، محدودیت‌ها، جرائم، کیفرها و نظام دادرسی، چاپ اول، تهران، دفتر نظارت و برنامه‌ریزی رسانه‌ها
- علمداری، مهرداد و بروجردی علوی، مهدخت، (۱۳۸۹) «محتوای مطبوعات ایران»، رسانه، سال بیست و یکم، شماره ۱، صص ۶۵-۸۶
- کراکر، آرتور، (۱۳۸۰) ترجمه زهره بیدختی، «جامعه‌شناسی، انسان‌گرایی دیجیتال؛ دنیای پردازش شده مارشال مک لوهان»، مجله رسانه، شماره ۴۸، صص ۳۲-۵۸
- محمدی، قاسم، (۱۳۹۶) جرم مطبوعاتی، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت
- معتمد نژاد، کاظم، (۱۳۸۹) حقوق مطبوعات، چاپ ششم، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
- هدایتی، مهدی و شریفی، رسول (۱۴۰۰) «الگوی سیاسی حاکم بر رسانه‌ها و دولت مصر» دو فصلنامه علمی جامعه‌شناسی جهان اسلام، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۸۶-۱۱۰
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ یا اصلاحات بعدی
- قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۰۳/۰۵ مجلس شورای اسلامی
- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی
- آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات ۱۳۹۵
- قانون نحوه اجرای اصل ۱۷۵ مصوب ۱۳۷۰
- اساسنامه سازمان صدا و سیما مصوب ۱۳۶۲
- مصوبه کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مورخ ۱۳۹۰/۰۲/۰۳

عربی:

- أمین، حسن، (۲۰۰۷) «تغزیز حکم القانون والنزاهة فی العالم العربی» تقریر حول وضع الإعلام فی مصر، المرکز العربی لتطویر حکم القانون والنزاهة،

المدامغه، بلال عدنان عبدالأمير، (٢٠٢١) مبادئ حرية الصحافة الإعلام، رساله مقدمه لنيل درجة الدكتوراه فى الحقوق، كلية الحقوق، جامعه المنصوره

عبد المحسن عبد الفتاح، يوسف (٢٠١٧) «الحماية الدستورية لحرية مينة الصحافة والإعلام واستقلالها والتطور التشريعى لتنظيم مجالسها» كلية الحقوق جامعة القاهرة، صص ٣٨-١

عواضة، واصف، (٢٠٢٠) مجموعة العمل الإقليمية الخاصة بالاعلام الرقميةالاتحاد الدولى للصحفيين، أنتونى بيلانجر، الأمين العام للاتحاد الدولى للصحفيين للاتحاد الدولى للصحفيين، بروكسل / بلجيكا

مركز الإقليمى للحقوق والحریات، (٢٠٢٣) واقع استقلالية وسائل الإعلام فى مصر، www.rc-ri.org

الدستور المصرى لسنة ٢٠١٤ مع التعديلات الأخيرة

قانون مكافحة جرائم تقنية المعلومات رقم ١٧٥ لسنة ٢٠١٨

قانون تنظيم الصحافة والإعلام والمجلس الأعلى لتنظيم الإعلام رقم ١٨٠ لسنة ٢٠١٨

انگلیسی:

Poell, Thomas, van Dijck, José,, (2014) "Social media and journalistic independence", in Media Independence: Working with Freedom or Working for Free?, In James Bennett & Niki Strange (ed,) (London: Routledge Presspp180- 201

Basyouni·Hamada (2002) "Historical and Political Analysis of Mass Media in Egypt", The Egyptian Journal for Communication Research, Volume 9, Number 2, Pp. 1- 31.

Gallie, Walter Bryce, (1996) "Essentially Contested Concepts" Proceedings of the Aristotelian Society, Vol. 56,

Javier Cabrera Blázquez. Francisco, Cappello, Maja, (2022) Governance and independence of public service media, European Audiovisual Observatory

Karppinen, kari, Moe Hallvard, (2016) "What we talk about when talkabout"media independence" Media and Communication Studies, vol. 23, No. 2, pp132- 149

Mansour, Sherif (2015) "Stifling the Public Sphere: Media and Civil Society in Egypt", National Endowment for Democracy, 14 Oct 2015, Pp. 1- 16.

Munteanu,Miruna, (2010) Media in Crisis: should the state intervene?, Reuters Institute Fellowship Paper University of Oxford, p.1- 33

MEDINA, MERCEDES, RASHA ALLAM, (2023)Questioning Public Service Media in Egypt and Spain, International Journal of Communication 17, 5378–5401

Mendel, Toby, (2008) "Restricting Freedom: standard and principles background for meeting hosted by the un decimal rapporteur on freedom of opinion and expression", Center for Law and Democracy,pp2836-

Schudson,M. (2005) MAutonomy from what. In R. Benson (Ed.), Bourdieu and the Journalistic Field .pp.

214–223

Subhradipta, Sarkar, (2008) “Right to free speech in a censored democracy”, National Law School of India University (NLSIU) pp86- 98

Van Drunen, Max, (2021) “Editorial independence in an automated media system, nstitute for Information Law (IViR)”, University of Amsterdam, Netherlands

چکیده تفصیلی

امروزه از استقلال رسانه به‌عنوان یک ارزش ابزاری تعبیر می‌شود که برخی از حقوق و آزادی‌های بنیادین مانند حق آزادی بیان تنها در پناه آن می‌توانند ارزش، اعتبار و جایگاه واقعی خود را پیدا نمایند. در جامعه‌ای که رسانه‌ها مستقل نباشند ارزش‌هایی همچون آزادی بیان، آزادی اطلاعات، شفافیت و حتی بالاتر از همه این‌ها دموکراسی با مشکل مواجه خواهد شد. در جایی که رسانه مستقل وجود نداشته باشد حکومت‌ها به راحتی و بدون پروا واقعیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... جامعه را تحریف می‌کنند و رسانه ابزاری در دست آن‌ها جهت رسیدن به خواسته‌ای مشروع و نامشروع خود می‌شود. از همین رو در غالب کشورهای دموکراتیک جهان استقلال رسانه از جایگاه والایی برخوردار است و تدابیر قابل توجهی در جهت حفظ این استقلال در نظر گرفته شده است. با این حال به دلایل مختلف می‌توان گفت هیچ رسانه‌ای کاملاً مستقل نیست. البته استقلال کامل رسانه‌ها در کمتر کشوری به‌عنوان یک هدف دموکراتیک مورد توجه قرار گرفته است اما استقلال تا آنجا که رسانه‌ها آزادانه و بدون فشار از سوی دولت و مقامات سیاسی بتوانند وظایف ذاتی خود را با حفظ محدودیت‌های قانونی اعمال نماید امری بسیار ضروری و با اهمیت است.

در این تحقیق به جایگاه استقلال رسانه‌ها در کشورهای ایران و مصر پرداخته شده است و با نگاهی تطبیقی امتیازات و نقاط ضعف این کشورها در حوزه استقلال رسانه با نگاهی به استانداردهای جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. کشور مصر یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کشورهای اسلامی است که در ایجاد رسانه‌های مستقل در میان دیگر کشورهای اسلامی منطقه پیشرو بوده است و دارای پیشینه قوی‌تری می‌باشد با این حال تسلط نیروهای نظامی در سال‌های متمادی بر بخش‌های مختلف این کشور، رسانه‌ها و استقلال آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده تا اینکه در سال ۲۰۱۱ مردم به کمک رسانه‌ها موفق به تغییر رژیم سیاسی حاکم شدند و توانستند یک آر مهم‌ترین انقلاب‌های قرن اخیر را رقم بزنند. اگرچه ظرف مدت کمی پس از انقلاب متأسفانه شاهد بازگشت رسانه‌ها و فضای حاکم بر آن‌ها به دوران پیش از انقلاب ۲۰۱۱ هستیم. تمام این مسائل یعنی جایگاه، عظمت و تاریخ مصر در میان کشورهای اسلامی، پیشرو بودن مصر در عرصه بهره‌گیری از مطبوعات خصوصی و مستقل و تحقق انقلاب بزرگ این کشور در بستر رسانه‌ها در سال ۲۰۱۱ و سرنگون کردن دولت حسنی مبارک اهمیت نگاه تطبیقی به جایگاه استقلال رسانه در این کشور را نمایان می‌سازد.

با وجود بحث‌های فراوان پیرامون استقلال رسانه و جایگاه آن تاکنون امکان ارائه مدل خاص که بتواند در تمام دنیا به‌عنوان الگو مورد پذیرش قرار گیرد وجود نداشته است. این امر می‌تواند دو دلیل داشته باشد. اول آنکه استقلال رسانه یک ارزش ابزاری است نه یک غایت ذاتی، بنابراین صرفاً ابزاری است در راستای تحقق اهدافی خاص که برخی از آن‌ها مورد اشاره قرار گرفت. دوم آنکه کشورهای مختلف دارای شرایط سیاسی متفاوتی می‌باشند و هرکدام ممکن است با توجه به ساختار و بافت سیاسی خاص خود استقلال رسانه را طراحی و اجرا نمایند و همچنین حتی ممکن است نگاه کشورهای مختلف به اهمیت و جایگاه استقلال رسانه‌ای متفاوت باشد. با این وجود و علی‌رغم عدم ارائه یک مدل استاندارد از استقلال رسانه، الزامات و مؤلفه‌هایی وجود دارد که می‌توان بر اساس این معیارها سطح استقلال رسانه‌ها را تعیین نمود.

نحوه مدیریت رسانه‌ها یعنی استقلال از سلسله‌مراتب و به رسمیت شناختن مالکیت خصوص بر رسانه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های استقلال رسانه می‌باشد در ایران اگرچه رسانه‌ها در چهارچوب سلسله‌مراتب اداری قرار ندارند

اما انحصار دولت در صدا و سیما می‌تواند بحث‌برانگیز باشد در کشور مصر وضعیت در این بخش تا حدودی بحرانی است چراکه افراد نزدیک به ژنرال السیسی و نهادهای امنیتی همچون وزارت اطلاعات مصر به‌صورت بسیار جدی به این بخش ورود کرده و مالکیت رسانه‌های مهم مصری را در اختیار گرفته‌اند و به مواد قانون اساسی در این خصوص توجه نداشته‌اند. در مورد داشتن رگلاتور مستقل جهت نظارت و تنظیم رسانه‌ها که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل جلوگیری از مداخلات دولتی شناخته می‌شود باید گفت در ایران به علت عدم وجود قانون جامع، رگلاتور واحد و مستقلی وجود ندارد. اگرچه برخی نهادها نظارت و در مواردی تنظیم‌گری رسانه‌ها را بر عهده دارند اما به‌سختی می‌توان آن‌ها را در جایگاه یک رگلاتور به معنای واقعی کلمه تلقی نمود. هیأت نظارت بر مطبوعات، شورای نظارت بر صدا و سیما و شورای عالی فضای مجازی از جمله این نهادها می‌باشند. در طرف مقابل در کشور مصر داستان متفاوت است. درحالی‌که قانون اساسی مصر در اصول متعدد به رگلاتور مستقل توجه داشته است و جوانب مختلف استقلال رگلاتور را نیز مدنظر قرار داده است در عمل این رگلاتورها نتوانسته‌اند مانع مداخلات دولتی شوند و رئیس‌جمهور از طریق تعیین اعضای رگلاتورهای سه‌گانه در این کشور، به‌راحتی رسانه‌ها را در راستای خواست و اراده خود سوق می‌دهد. در خصوص استقلال مالی رسانه‌ها در هر دو کشور وضعیت تا حدودی مشابه است و هزینه شبکه‌های تلویزیونی بر عهده بودجه عمومی کشور است و حق اشتراک برنامه‌های تلویزیونی یا وجود ندارد یا بسیار ناچیز و ناکافی است. این در حالی است که شبکه‌های مستقل دنیا عمده درآمد خود را از حق پخش و یا تبلیغات تجاری تأمین می‌نمایند که این امر نقش اساسی در استقلال مالی آن‌ها و عدم وابستگی به منابع مالی دولتی دارد در مورد صدور مجوزها در دو کشور الزام به اخذ پروانه برای شروع به کار مطبوعات وجود دارد علاوه بر اینکه برخی این امر را خلاف دموکراسی می‌دانند، در کشور مصر این کار همراه با نقض قانون اساسی انجام می‌شود. در مورد استقلال ماهوی رسانه‌ها در ایران فصل دوم قانون مطبوعات و الزام مطبوعات به پخش محتوای خاص و در مصر نفوذ دولت مصر بر مطبوعات و اجبار آن‌ها به پخش محتوای همسو با دولت مستقر و ممانعت از بیان هرگونه محتوای انتقادی محل تأمل به نظر می‌رسد. علاوه بر اینکه اصل قانونی بودن جرائم و مجازات در مصر با تصویب قانون تنظیم رسانه‌ها در سال ۲۰۱۸ مورد تعرض قرار گرفته است و مقامات دولتی و پلیس حق برخورد با برخی رسانه‌ها را داده است. با توجه به مورد فوق اگرچه در دو کشور استقلال رسانه با چالش‌هایی همراه است اما در کشور مصر این امر با تصویب قوانین مغایر با قانون اساسی و اقدامات فراقانونی مقامات و به‌صورت خاص ژنرال السیسی همراه است.

Extended Abstract

today, media independence is regarded as an instrumental value—one that enables certain fundamental rights and freedoms, such as freedom of expression, to attain their true worth, credibility, and status. In societies where media are not independent, core values such as freedom of expression, freedom of information, transparency, and, above all, democracy inevitably face serious challenges. In the absence of independent media, governments can easily manipulate political, social, economic, and other realities, transforming media into instruments for achieving lawful or unlawful objectives. Consequently, in most democratic countries, media independence holds a prominent position,

and significant measures have been implemented to safeguard it. Nevertheless, it is generally acknowledged that no media system can ever be entirely independent. Absolute independence has rarely been considered a democratic ideal; however, independence sufficient for media to perform their essential functions freely and without undue pressure from the government or political authorities—while adhering to legal limitations—is both necessary and vital. This study examines the position of media independence in Iran and Egypt through a comparative approach, referencing international standards to analyze the strengths and weaknesses of these two countries in this domain. Egypt, as one of the largest and most influential Islamic countries, has historically been a pioneer among Muslim-majority states in establishing independent media. Its historical experience in fostering private and independent press has contributed to a more developed media landscape. However, longstanding military dominance over key sectors of Egyptian society has significantly shaped media operations and limited independence. This situation persisted until 2011, when the Egyptian populace, with the assistance of media outlets, succeeded in overthrowing the Mubarak regime, marking one of the most significant revolutions of the recent century. Unfortunately, only a short period after the revolution, the media environment largely reverted to pre-2011 conditions. The status, importance, and historical background of Egypt, its pioneering role in independent media development, and the 2011 revolution underscore the significance of a comparative study of media independence in this country. Despite extensive debates on media independence, no universally accepted model has yet emerged. This can be attributed to two main reasons: first, media independence is an instrumental value rather than an intrinsic one, serving as a tool to achieve broader objectives; second, countries vary in political conditions, leading to different implementations of media independence according to each nation's structure and context. Consequently, states may hold distinct views on the significance and scope of media independence. Nevertheless, certain requirements and criteria allow for the evaluation of media independence, with management practices—particularly independence from hierarchical state structures and recognition of private ownership—constituting a fundamental component.

In Iran, although the media do not formally operate within a strict administrative hierarchy, the state monopoly over broadcasting through IRIB remains contentious. In Egypt, the situation is more critical, as individuals close to General el-Sisi and security institutions, including the Ministry of Information, have acquired control over major media outlets, often disregarding constitutional provisions. Regarding the presence of an independent regulator—widely regarded as essential for preventing government interference—Iran lacks a unified and independent body due to the absence of comprehensive media legislation. While several institutions perform supervisory or regulatory

functions, they cannot be considered true regulators in the strict sense, including the Press Supervisory Board, the Supervisory Council of IRIB, and the Supreme Council of Cyberspace. In contrast, Egypt's constitution explicitly mandates independent regulatory authorities; however, in practice, these bodies have failed to prevent government interference. Through presidential appointments to these three regulatory authorities, media operations are easily aligned with the political objectives of the executive. Financial independence represents another critical dimension. In both countries, television networks rely heavily on state budgets, and subscription fees, if they exist, are minimal and insufficient. This contrasts sharply with independent international media outlets, which primarily depend on broadcasting fees or commercial advertising, thereby securing financial autonomy and reducing reliance on state resources. Concerning licensing, both Iran and Egypt require permits for press operations; while such regulation is debated in terms of democratic compatibility, Egypt's enforcement often contravenes constitutional provisions. Substantive independence is also restricted. In Iran, provisions in the Press Law impose obligations regarding the publication of certain content types, raising concerns about autonomy. In Egypt, the government exerts extensive control over media content aligned with ruling authorities while suppressing critical expression. The 2018 Media Regulation Law further undermined the principle of legality by granting government officials and law enforcement agencies broad powers to sanction media outlets. In conclusion, although both Iran and Egypt face challenges regarding media independence, these challenges are substantially more severe in Egypt due to extralegal practices, restrictive legislation, and direct control exercised by officials, particularly under General el-Sisi. The comparative analysis highlights the necessity of legal, institutional, and operational reforms to strengthen media independence and ensure its capacity to safeguard democratic principles, transparency, and freedom of expression in both countries.

